

مقاومت در نظام پولی و ارزی و الزامات ساختاری آن در شرایط تهدید اقتصادی

ایمان باستانی فر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۵/۱۶

فصلنامه آفاق امنیت/ سال نهم / شماره سی و یکم - تابستان ۱۳۹۵

چکیده

با فروپاشی نظام برتون وودز و تمایل به گسترش نظام‌های بدهی‌محور یا اعتباری در اقتصاد سرمایه‌داری، ابزاری برای کنترل بحران‌های اقتصادی ناشی از نظام‌های پولی و ارزی بدهی‌محور لازم است؛ زیرا برای خروج از بحران باید ابتدا هزینه تولید کشورهای رقیب افزایش یابد؛ سپس بازارهای جدیدی برای افزایش تقاضای مصرف و سرمایه‌گذاری در جهان شکل گیرد و پس از آن نوسانات نرخ ارز به نفع گروهی از کشورها کنترل شود که در اندیشه غرب، این مسئله با قانونمندی‌سازی و مقبولیت ابزار تهدید اقتصادی میسر می‌شود. بنابراین، کشورهای هدف تهدید اقتصادی از جمله جمهوری اسلامی ایران باید برای تحقق اهداف پدافند غیرعامل کشور، نظام پولی و ارزی خود را با آگاهی به موارد مذکور مقاوم کنند.

در این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی، فرایند مقبولیت تهدید، متأثر از نظام پولی و ارزی بدهی‌محور بین‌المللی استخراج می‌شود. در ادامه با تحلیل سیاست‌ها و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی، ویژگی‌های نظام پولی و ارزی مقابله‌یاب و استخراج سازوکار اثرگذاری آن بر تعادل کلان اقتصادی استخراج و سیاست و اقدام‌های پولی و ارزی سازگار با تغییرات ناشی از تهدیدهای اقتصادی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

نظام پولی و ارزی، تهدید اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، پدافند غیرعامل



مقدمه

امروزه گسترش نظام‌های پولی و ارزی بدهی‌محور نقش مؤثری در نظام تأمین مالی کشورهای جهان ایفا می‌کنند. در کنار رکود و بحران‌های ایجادشده از توسعه چنین نظامی، کشورهای غربی از تهدید اقتصادی به عنوان ابزاری کارآمد و نامشروع برای رفع بحران‌های خود و سلطه‌گری بر جهان استفاده می‌کنند؛ به گونه‌ای که آمریکا و اتحادیه اروپا نقش مهمی در شکل‌گیری تهدیدهای اقتصادی در قرن بیست و یکم داشته‌اند (طلعیانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۷-۲۰۰).

تهدید اقتصادی به هر گونه اقدام و تلاش دشمن با هدف اثرگذاری برای تضعیف اقتصاد کشور یا ایجاد فشار اقتصادی بر مردم گفته می‌شود. تهدید اقتصادی می‌تواند با استفاده از ابزارهای اقتصادی مانند تحریم یا ابزارهای غیراقتصادی نظیر عملیات روانی انجام گیرد (سرپاک، ۱۳۹۴: ۱۶). در این باره یکی از اقدامات اساسی و هدفمند برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی، پدافند غیرعامل است.

پدافند غیرعامل، مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای است که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی دشمن می‌شود. این اقدامات در سه بخش شامل کشور، جامعه و مردم و دستگاه‌های اجرایی توسعه‌پذیر است (طلعیانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹ و ۱۵). از آنجا که نظام پولی و ارزی جمهوری اسلامی ایران در هر سه بخش یادشده، قابلیت مقاوم‌سازی در برابر تهدیدهای اقتصادی را دارد، توجه به شناسایی ویژگی‌های یک نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان، سازوکار اثرگذاری آن بر اقتصاد کلان و سیاست‌ها و اقدامات پولی و ارزی مناسب برای مقابله با تهدید اقتصادی، گام مؤثری برای اقتدار و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. بر این اساس، اکنون سؤال این است که مقبولیت تهدید اقتصادی در جهان از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ ویژگی‌های یک نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان چیست؟ سازوکار اثرگذاری نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان بر تعادل‌های اقتصاد کلان چگونه است؟ سیاست و اقدام‌های پولی و ارزی سازگار با تهدیدهای اقتصادی چه خواهند بود؟

این مقاله در پنج بخش ارائه شده است. بخش اول به ارتباط نظام‌های پولی و ارزی بدهی‌محور با تهدیدهای اقتصادی می‌پردازد. در بخش دوم، ویژگی‌های نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان با توجه به وضع موجود نظام پولی و ارزی کشور و وضع مطلوب



سیاست‌های اقتصاد مقاومتی) تحلیل می‌شود. در بخش سوم، سازوکار اثرگذاری نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان بر تعادل کلان اقتصادی بیان و در بخش چهارم سیاست و اقدامات پولی و ارزی سازگار با تهدیدهای اقتصادی بیان می‌شود. در بخش پنجم، جمع‌بندی و پیشنهادها ارائه می‌شود.

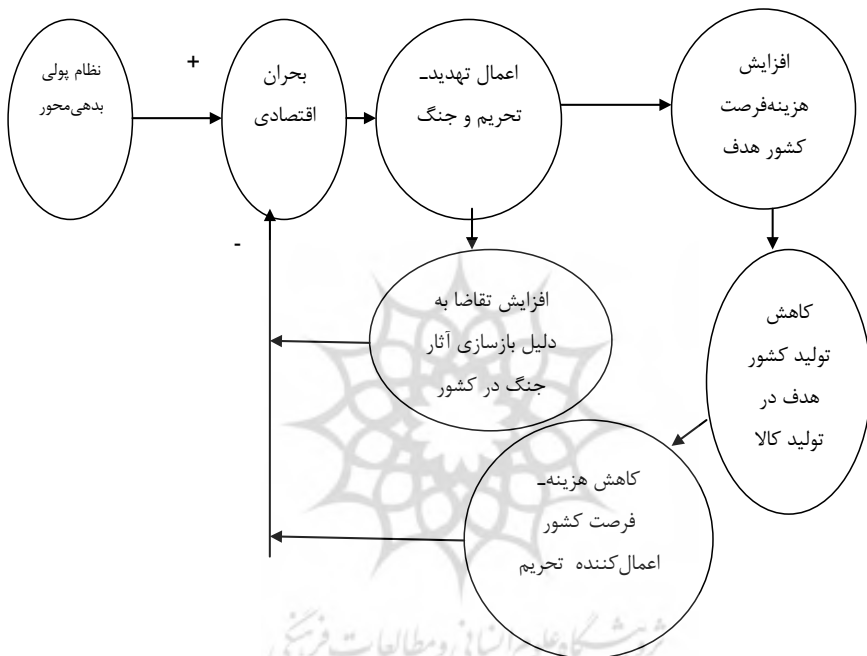
نظام‌های پولی و ارزی بدهی‌محور و تهدید اقتصادی

۱. نظام بدهی‌محور و مقبولیت تهدید اقتصادی

نظام‌های پولی و ارزی بدهی‌محور مبتنی بر اصل ذخیره جزیی است. در این نظام‌ها، خلق اعتبار مهم‌ترین منبع برای کسب درآمد بانک‌هاست. برای حفظ سود و منفعت بانک همواره باید تقاضا برای اعتبار وجود داشته باشد. در صورت کاهش تقاضا برای اعتبار، بانک‌ها با مشکل روبه‌رو می‌شوند و ارزش سهام آنها کاهش می‌یابد و به تبع آن، ارزش دارایی‌های در تملک آنها که سهام شرکت‌های تولیدی و خدماتی است، کاهش پیدا می‌کند و رکود در اقتصاد حاکم می‌شود. استمرار در رکود باعث بروز بحران می‌شود. همچنین اگر ارزش سهام بانک‌ها به دلیل عدم رونق فعالیت در بخشی از اقتصاد کاهش یابد و بانک‌ها بخواهند از طریق ایجاد تقاضای اعطای اعتبار، رکود را برطرف و تقاضا را تحریک کنند، ممکن است به دلیل مسئله عدم اطلاعات متقارن بانک‌ها در اعطای تسهیلات به متقاضیان دچار مشکل شوند و این مسئله موجب زیان و ورشکستگی آنها گردد (کلاریدوس و استفانو، ۲۰۰۹: ۳۰). بنابراین برای جبران رکود باید محرک‌هایی در اقتصاد برای تقاضا از سوی دولت ایجاد شود. بروز جنگ - که نوعی افزایش در مخارج دولت است - باعث می‌شود محصولات نظامی رونق پیدا کند و تقاضا برای آنها شکل گیرد و رکود در این صنایع کاهش یابد. همچنین برای بازسازی کشور جنگ‌زده، تقاضا برای مصرف و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد که خود باعث کاهش آثار رکود می‌شود. اما تهدیدهای اقتصادی و استفاده از سیاست‌های تحریم باعث می‌شود که هزینه - فرصت کشور هدف در بخش تولیدات افزایش و هزینه - فرصت کشور تحریم‌کننده کاهش یابد. برای مثال، مؤسسه اقتصاد و صلح آمریکا^۱ (۲۰۱۲) در گزارشی به تحلیل آثار اقتصادی جنگ‌هایی که آمریکا در آنها مستقیماً حضور داشته (جنگ جهانی دوم، ویتنام، کره، عراق، افغانستان و جنگ سرد) پرداخته است. در این گزارش به آثار مثبت جنگ بر اشتغال، رشد فناوری و کاهش شکاف طبقاتی در شرایط



رکود اقتصادی اشاره شده است. بنابراین، اعمال تهدید اقتصادی در سطوح مختلف آن از جمله تحریم و جنگ، یکی از راهکارهای نامشروعی است که نظام سرمایه‌داری و به طور خاص آمریکا، با دادن وجه قانونی و جلب افکار عمومی و بین‌المللی در صدد مهار و کنترل رکود و بحران‌های اقتصادی خویش است. با توجه به موارد مطرح‌شده، نمودار ۱ فرایند شکل‌گیری تهدید- تحریم و جنگ متأثر از نظام پولی و ارزی بدهی‌محور را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- فرایند شکل‌گیری تهدید- تحریم و جنگ متأثر از نظام پولی و ارزی بدهی‌محور همان‌طور که این نمودار نشان می‌دهد، نظام پولی و ارزی بدهی‌محور برای جبران ناکارآمدی‌های خود نیازمند تقاضای مؤثر است. جنگ و تهدید اقتصادی فرصت مناسبی برای برطرف کردن بحران اقتصادی است. در ادامه اثر بروز تهدید اقتصادی در تعادل اقتصاد در کشور هدف متأثر از کانال نظام پولی و ارزی نشان داده می‌شود.

۲. اثر تهدید اقتصادی بر تعادل اقتصاد کلان از کانال نظام پولی و ارزی

هر گونه اقدام و تلاش دشمن با هدف اثرگذاری برای تضعیف اقتصاد کشور یا ایجاد فشار اقتصادی بر مردم، تهدید اقتصادی نام دارد. این تهدیدها می‌توانند با به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی نظیر تحریم یا ابزارهای غیراقتصادی مانند عملیات روانی و غیره صورت گیرند.



همچنین این تهدیدها علاوه بر اقدام‌های بالفعل، اقدام‌های بالقوه را شامل می‌شود (سرپاک، ۱۳۹۴: ۱۶). با توجه به تعریف ارائه‌شده، لزوماً تهدید اقتصادی منشأ بیرونی ندارد، بلکه اگر عواملی در داخل کشور با اصرار بر شکل‌گیری نهادهای جدید یا اصرار بر حفظ نهادهای ناکارآمد موجود و اعمال سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی باعث تضعیف اقتصاد کشور یا ایجاد فشار اقتصادی بر مردم شوند، جزء تهدیدگران داخلی اقتصاد به شمار می‌روند و موجب تضعیف اقدامات و سیاست‌های پدافند غیرعامل می‌شوند.

تهدید اقتصادی از سمت تقاضا، دو متغیر واقعی یعنی مخارج سرمایه‌گذاری و مصرفی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در صورت بروز تحریم‌های مالی و ارزی، بر نظام پولی و ارزی تأثیر می‌گذارد. افزایش عدم اطمینان بنگاه‌های اقتصادی به دلیل اعمال سیاست‌های تهدید اقتصادی موجب افزایش انتظار بازدهی بنگاه‌های اقتصادی می‌شود و تقاضا برای سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر مصرف‌کنندگان با احتمال و پیش‌بینی بدتر شدن آینده اقتصادی، میل به مصرف در زمان حال را افزایش می‌دهند و در صورت فقدان کالاهای داخلی (به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در داخل)، تمایل به واردات افزایش می‌یابد^۱ (دریزنر، ۱۹۹۹). بر این اساس، تهدیدهای اقتصادی به کاهش اشتغال و تولید از طریق اثرگذاری بر دو متغیر واقعی بخش تقاضای کل می‌انجامد. از سوی دیگر در بخش اسمی تقاضا (بخش پولی و ارزی)، تحریم‌های ارزی باعث می‌شود که فاصله و شکاف بخش اسمی از واقع بیشتر شود؛ زیرا زمانی که مبادلات ارزی در موعد قرارداد خود مبادله نشوند، باید از طریق سازوکارهایی غیر از سوئیف یا ارزهای دیگر مبادله شوند که احتمال بروز فساد و نیز تأخیر در انجام مبادلات و گران‌تر شدن مبادلات وجود دارد. حال اگر نظام پولی یک کشور نیز متأثر از نظام ذخیره‌جزیی و وابسته به خلق اعتبار باشد، تأخیر در انجام مبادلات و کند شدن روند بخش واقعی، تقاضا برای اعتبار را کاهش می‌دهد یا احتمال بروز پدیده اطلاعات نامتقارن در دریافت تسهیلات افزایش می‌یابد.

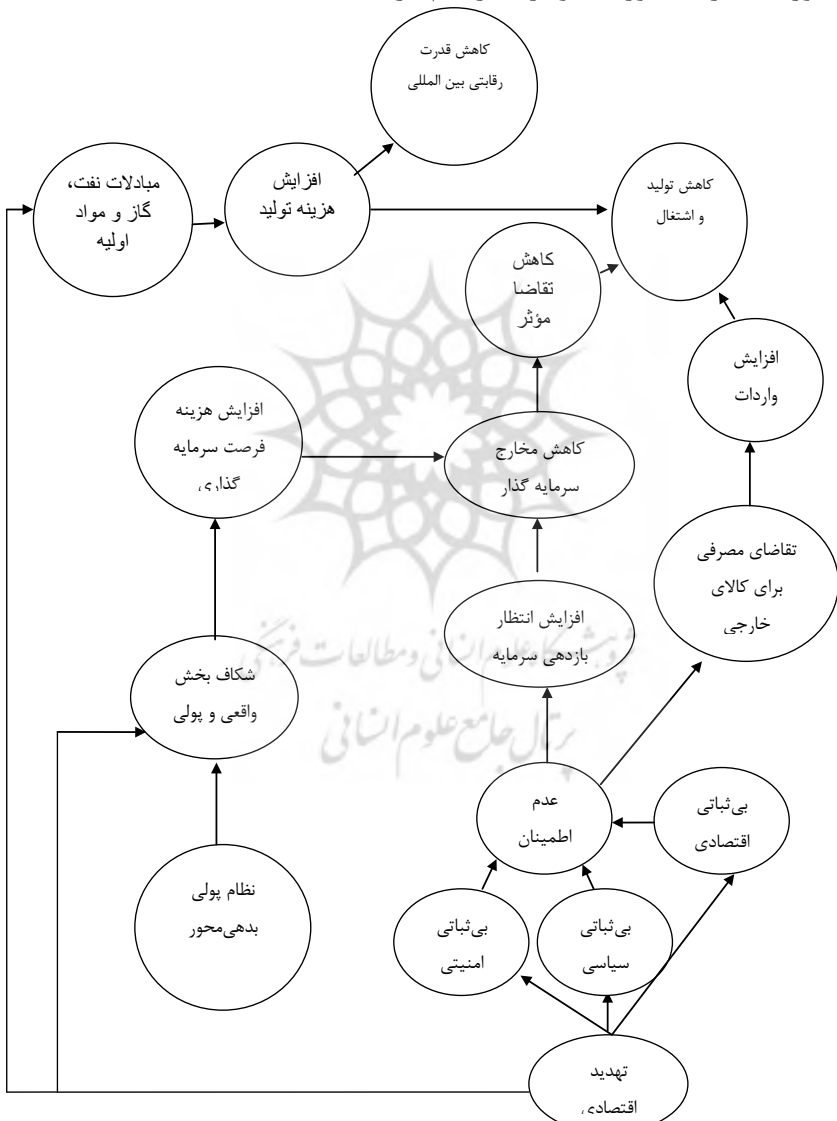
اما از منظر عرضه، از آنجا که اقتصاد ایران متأثر از مبادلات نفتی و صادرات مواد خام و اولیه است، اعمال تحریم در مبادلات مرتبط با این اقلام موجب گران‌تر شدن

۱. سند راهبردی پدافند اقتصادی کشور

۲. دریزنر (۱۹۹۹) در کتاب خود با عنوان پارادوکس تحریم (The sanctions paradox) به تحلیل آثار تهدیدهای اقتصادی مبتنی بر مفهوم انتظارات تعارضی (Conflict Expectations) می‌پردازد. انتظارات تعارضی، پیش‌بینی عوامل اقتصادی کشور هدف از آینده اقتصاد در شرایط وجود بروز تهدیدهای اقتصادی احتمالی در آینده است. بر اساس انتظارات تعارضی، کشور تحریم‌کننده با اعمال تهدیدهای اقتصادی باعث می‌شود که عدم اطمینان در عرصه‌های اقتصادی افزایش و انتظارات بنگاه‌های اقتصادی از عایدی و بازدهی سرمایه به سبب آینده پیش رو و سخت اقتصادی بیشتر شود. همچنین هزینه - فرصت مصرف در آینده نسبت به حال افزایش می‌یابد.

آنها در عرصه بین‌المللی از یک سو و افزایش هزینه تولید از سوی دیگر می‌شود و به کاهش تولیدات و اشتغال مرتبط با مورد صنایع وابسته به مواد مذکور می‌انجامد؛ زیرا هم هزینه صادرات نفت و مواد خام افزایش می‌یابد و هم فرآورده‌ها و مشتق‌های آنها گران‌تر وارد کشور می‌شود.

به طور کلی می‌توان فرایند اثرگذاری تهدیدهای اقتصاد بر چرخه اقتصاد کلان در یک کشور هدف را به صورت نمودار ۲ ترسیم کرد.



نمودار ۲- اثر تهدید اقتصادی بر تعادل اقتصاد کلان در کشور هدف (منبع: نتایج تحقیق)



با توجه به موارد مذکور، یک نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان باید بتواند از آثار تهدیدهای اقتصادی بر تولید و اشتغال جلوگیری کند. مسلماً بخشی از تهدیدهای اقتصادی متأثر از سیاست‌گذاری اقتصادی و فرایندهای سیاسی در داخل است و برخی متأثر از فشار و تهدیدهای اقتصادی با منشأ خارجی است. در ادامه ویژگی‌های نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان تحلیل و تشریح می‌شود.

ویژگی‌های نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان

برای استخراج ویژگی‌های یک نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان باید ابتدا ویژگی‌های نظام پولی و ارزی کشور تبیین و متناسب با مشکلات نظام موجود از یک سو و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی دیگر ویژگی‌های نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان استخراج و در انتها، شرط تحقق نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان بیان شود.

نظام پولی و ارزی کشور

۱. خلق پول

بر اساس سری زمانی داده‌های بانک مرکزی از سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۳، میزان تورم سالانه در اقتصاد ایران ۱۹/۵ درصد و رشد نقدینگی ۲۵ و رشد پایه پولی حدود ۲۲ درصد بوده است؛ در حالی که رشد واقعی اقتصاد سالانه ۲ درصد بوده است. به عبارتی به نظر می‌رسد اثرگذاری رشد نقدینگی بر تورم بیشتر از اثر آن بر رشد واقعی در اقتصاد ایران بوده است. یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری نقدینگی، پایه پولی است. از عوامل مؤثر در افزایش پایه پولی، استقراض دولت از مقام پولی برای جبران کسری بودجه است که به دلیل عدم استقلال مقام پولی، سازوکار استقراض دولت از مقام پولی به آسانی شکل می‌گیرد. همان‌طور که جدول ۱ آمار تورم و نقدینگی هدف‌گذاری و مشاهده‌شده را کنار رقم متوسط کسری بودجه در طول چهار برنامه توسعه کشور نشان می‌دهد، با افزایش کسری بودجه دولت، میزان رشد نقدینگی هم سیر صعودی و مثبت داشته است؛ به گونه‌ای که باعث شده است هدف‌گذاری تورمی و نقدینگی در چهار برنامه توسعه گذشته با شکست روبه‌رو شود.

جدول ۱- آمار نقدینگی، تورم و کسری بودجه

عنوان برنامه	متوسط تورم هدف گذاری شده سالانه	متوسط تورم مشاهده شده سالانه	رشد نقدینگی هدف گذاری شده (درصد)	رشد نقدینگی مشاهده شده (درصد)	متوسط کسری بودجه اسمی مشاهده شده (هزار میلیارد ریال) ^۱
اول	۱۷۲/۷	۲۲/۶	۸/۷	۲۵/۲	۵۵۰
دوم	۱۲/۴	۲۵/۶	۱۲/۵	۲۵/۸	۴۰۰۴
سوم	۹/۱۵	۱۴/۱	۱۸/۳	۲۸/۹	۲۶۱۶۲
چهارم	۹/۹	۱۸/۴	۲۰	۲۷/۷	۱۳۶۱۷۸

منبع: برنامه‌های توسعه کشور و اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)

برای شکل‌گیری نظام پولی و ارزی مقاوم بنیان باید به شدت مراقب تفکر گسترش نظام پولی و ارزی بدهی محور و صنعت بانکداری به عنوان یک صنعت خصوصی و تأمین کننده مالی انتفاعی بود؛ زیرا گرچه بر اساس عقود مشارکتی، مبادلاتی و قرض الحسنه، نظام بانکداری اسلامی صرفاً واسطه‌گر مبادلات نیست و ظرفیت‌هایی برای تأمین کننده مالی بودن دارد، ولی اگر نقش بانکداری اسلامی در پیوند بخش واقعی با بخش پولی به درستی تعریف نشود، نظام بانکی بدهی محور انتفاعی در صورت رشد و توسعه نیافتن متناسب با بخش واقعی، موجب افزایش بدهی‌های معوقه نظام بانکی، ورشکستگی آن و در نهایت تضعیف بخش واقعی اقتصاد می‌شود؛ زیرا در این بازارها به دلیل پدیده اطلاعات ناکامل^۱، امکان بروز پدیده انتخاب ناصواب و مخاطره اخلاقی وجود دارد و زمینه برای آسیب‌پذیری و اثرگذاری بیشتر تهدیدهای اقتصادی با منشأ خارجی را بیشتر می‌کند. بنابراین لازم است در کنار رشد نظام بانکی، بازارهای مالی نیز توسعه یابند و اگر امکان رشد توسعه بازارها فراهم نیست، رشد نظام بانکی بدهی محور انتفاعی محدود شود.

بنابراین، توجه به مسئله رشد نقدینگی، کنترل و نظارت فرایند خلق پول در کشور، برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ضروری است.

۲. نظام ارزی کشور

نظام ارزی در جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی، نظام ارزی چندگانه بوده است. در این نظام، یک نرخ ارز رسمی پایه همراه چندین نرخ ارز مجاز و رسمی دیگر در اقتصاد وجود دارد و مقام پولی از این طریق با منابع ارزی در اختیار ضمن حفظ نرخ ارز

1 . Incomplete Information



رسمی پایه به کاهش نوسان‌های نرخ ارز در اقتصاد می‌پردازد (ورتایبان، ۱۳۹۲: ۱۳۴). طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹، تلاش‌هایی برای اجرای نرخ ارز مدیریت شناور شد، اما به دلیل وجود منابع ارزی و فقدان برنامه‌های اقتصادی بلندمدت و بی‌توجهی به مفهوم و مبانی قاعده‌گذاری در سیاست‌گذاری ارزی، به درستی اجرا نشد. همچنین در دهه ۱۳۸۰، تلاش‌هایی برای اجرای سیاست تک‌نرخ ارز شکل گرفت؛ اما تزریق بی‌رویه ارز نفتی به اقتصاد به دلیل رشد درآمدهای نفتی، الزامات بودجه‌ای و الزام بانک مرکزی به تأمین ریال معادل آن و جلوگیری از کاهش نرخ ارز به سطوحی پایین‌تر از نرخ ارز پیش‌بینی شده در بودجه، نظام ارزی تک‌نرخ نیز شکست خورد (مصطفی پور و سخایی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). بنابراین آنچه مشاهده می‌شود آن است که نظام ارزی در اقتصاد ایران به دلیل تلاش نکردن برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و مقاوم‌سازی به تکانه‌های نفتی از یک سو و نیاز دولت به درآمدهای نفتی برای تأمین مالی بودجه‌های جاری و عمرانی از سوی دیگر باعث شده است که از وقایع کوتاه‌مدت اقتصاد (نوسانات قیمت نفت و ارز) آسیب‌پذیر شود و صرفاً معطوف توجه و حل مسائل کوتاه‌مدت کشور گردد. به عبارتی، فقدان توان نظام ارزی در تدوین سازوکارهایی برای توجه به سیاست‌ها و منافع بلندمدت نظام اقتصاد ایران از ضعف‌های اساسی نظام ارزی کشور در مسیر تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و پدافند غیرعامل خواهد بود.

سازوکار تصمیم‌گیری مقام پولی

تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری پولی به دو روش صلاح‌دید^۱ و قاعده‌گرا^۲ انجام می‌گیرد. در روش صلاح‌دید، مقام پولی تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کند که در همان دوره تصمیم‌گیری اجرا کند؛ یعنی سازوکار تصمیم‌گیری مبتنی بر شرایط و اهداف کوتاه‌مدت است؛ اما در روش قاعده‌گرایی، تصمیم‌هایی را که مقام پولی در یک دوره زمانی اتخاذ می‌کند، برای اجرا در دوره‌های آتی است؛ به عبارتی تصمیم‌گیری مبتنی بر شرایط و اهداف بلندمدت اقتصاد است (باستانی‌فر، ۱۳۹۱: ۲). مطالعات متعددی در ادبیات اقتصاد متعارف وجود دارد که مداخله‌های صلاح‌دید مقام پولی در اقتصاد را عامل بروز بی‌تعادلی‌های اقتصاد کلان معرفی کرده‌اند. برای مثال می‌توان به مطالعات بنیادین برندگان جایزه نوبل یعنی فریدمن^۳ (۱۹۶۸) و کیدلند و پرسکات^۴ (۱۹۷۷)

- 1 . Discretion
- 2 . Rule
- 3 . Friedman
- 4 . Kydland and Prescott

اشاره کرد که هرکدام با وجود وابستگی به دو مکتب جدای پولی و کلاسیک‌های جدید، بر ضرورت استفاده از قاعده در سیاست پولی تأکید داشته‌اند. در ادامه حتی تیلور (۱۹۹۳)^۱ به عنوان یک اقتصاددان کینزی جدید و طرفدار سیاست‌های کوتاه‌مدت دولت نیز با پذیرفتن نقش قاعده‌گذاری در سیاست پولی، قاعده‌ای ارائه می‌کند که بر اساس آن بتوان مرحله گذر از کوتاه‌مدت به بلندمدت را با کنترل میزان بهره مدیریت کرد. بنابراین، اجماع نظر مکاتب اقتصادی معتبر در عرصه سیاست‌گذاری پولی گویای آن است که سیاست‌گذاری در اقتصاد پولی باید مبتنی بر نگاه بلندمدت و به‌کارگیری قاعده‌مندی در سیاست‌گذاری‌های پولی باشد.

اما مقام پولی در اقتصاد کشور- به دلیل وابستگی به دولت، وابستگی دولت به نفت، وابستگی نفت به تصمیم‌های سیاسی در جهان و کاهش وابستگی به انرژی‌های فسیلی- قادر به تصمیم‌گیری‌های بلندمدت نیست و سیاست‌های پولی بیشتر بازدارنده و پاسخگو برای مقابله با شرایطی بوده که در اختیار و کنترل مقام پولی نبوده است. بنابراین، یکی از دلایل اصلی بروز بی‌تعادلی‌های اقتصاد کلان (تورم و رکود و رکود تورمی) در بازه‌های مختلف زمانی به‌کارگیری سیاست‌های پولی صلاح‌دیدنی بوده است؛^۲ در صورتی که برای تحقق رشد اقتصادی و همراهی نظام پولی با رشد واقعی در اقتصاد، سیاست‌های پولی باید پیش‌برنده (فعال) و نه بازدارنده (منفعل) باشند. اکنون مشکل این است که تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تحقق مسیرهای رشد اقتصادی نیازمند نگاه بلندمدت واقع‌گرایانه و پیش‌برنده است. اما نظام سیاست‌گذاری پولی و ارزی در اقتصاد ایران فاقد این ویژگی است که در تضاد و تعارض با رشد اقتصاد بلندمدت و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد.

سیاست‌های پولی و مالی اقتصاد مقاومتی

دو بند از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به صورت خاص مرتبط با بخش‌های پولی و ارزی است که در ادامه تشریح می‌شوند.

- بند ۹ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

بند ۹ از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شامل «اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی» است.

1. Tylor

۲. برای توضیحات بیشتر درباره چگونگی اثر بروز سیاست‌های صلاح‌دیدنی در اقتصاد به مطالعه باستانی‌فر (۱۳۹۳) و باستانی‌فر و میرزایی (۱۳۹۳) مراجعه کنید.



همان‌طور که مشاهده می‌شود، بر اساس این بند، سیاست‌های پولی و ارزی باید ابتدا پاسخگوی نیازهای اقتصاد ملی در پیوند با بخش واقعی باشند؛ سپس موجب ثبات در اقتصاد ملی شوند. بنابراین، بر اساس اهداف مذکور، اصلاح و تقویت نظام مالی صرفاً منحصر به نظام بانکی نمی‌شود، بلکه گسترش روش‌های تأمین مالی و بازارهای سرمایه و دارایی داخلی و چگونگی پیوند با بازارهای بین‌الملل مالی را نیز می‌تواند دربر داشته باشد. مطالعه انجام‌شده توسط باستانی‌فر و همکاران (۱۳۹۴) نیز تأییدکننده تحقق بند مذکور است. در این مطالعه تابع زبان^۱ مقام پولی بر اساس اهداف بانکداری اسلامی تصریح و برآورد شده است. اصول راهبردی مانند عدالت اجتماعی، گسترش رفاه عمومی و رشد اقتصادی، تثبیت قدرت خرید و نفی سلطه بیگانه به عنوان اهداف بانکداری اسلامی در نظر گرفته و نشان داده شده است که برای تحقق اهداف باید روش‌های تأمین مالی و بازارهای مالی تقویت شود. همچنین فرایند خلق پول و اعتبار باید به گونه‌ای طراحی شود که بتواند در جهت پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی حرکت کند.

- بند ۱۹ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

بند ۱۹ از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و...» تأکید دارد.

ادبیات فساد در اقتصاد مبتنی بر دو دیدگاه متضاد است. برخی مانند بک^۲ و ماهر^۳ (۱۹۸۶) و لین^۴ (۱۹۸۶) اثر فساد اقتصادی را بر اقتصاد مثبت می‌دانند؛ زیرا بر اساس این دیدگاه، پرداخت رشوه به عنوان مصداقی از فساد مالی باعث افزایش کارایی می‌شود. رشوه، پاداش انجام کار بیشتر و سریع‌تر است و انگیزه‌ای برای افزایش تلاش و کارایی بنگاه می‌شود. در مقابل، برخی مانند گوپتا^۵ و همکاران (۱۹۹۸)، حبیب^۶ و زوراکي^۷ (۲۰۰۱)، هوانگ^۸ و وی^۹ (۲۰۰۳)، صامتی و همکاران (۱۳۸۵)، لطیفیان (۱۳۸۵)، الوانی و همکاران (۱۳۸۹) و اصغرپور و همکاران (۱۳۹۰) آثار فساد را بر

- 1 . Loss Function
- 2 . Beck
- 3 . Maher
- 4 . Lien
- 5 . Gupta
- 6 . Habib
- 7 . Zurawicki
- 8 . Huang
- 9 . Wei

اقتصاد منفی می‌دانند. در این مطالعات فساد باعث افزایش فقر و شکاف درآمدی، تورم، مخارج دولت و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود.

آنچه در بند ۱۹ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بیان شده است، دلالت بر دیدگاه دوم یعنی منفی بودن اثر فساد مالی بر اقتصاد به صورت عام و بخش پولی و ارزی به صورت خاص دارد. از راهبردهایی که برای حل مسئله فساد اقتصادی مطرح است، اعتمادسازی و شفاف‌سازی است (صیادزاده و علمی، ۱۳۹۲: ۱۳). این راهبرد که راهبرد مد نظر در بند ۱۹ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است از طریق شفاف‌سازی روش‌های تصمیم‌گیری در بازارهای پولی و ارزی قابل اعمال است. در واقع ادبیات قاعده‌گذاری در سیاست‌گذاری پولی و ارزی ظرفیت شفاف‌سازی و افزایش اعتماد به مقام پولی را دارد. جمع‌بندی آنکه در یک نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان، بانک صرفاً تأمین‌کننده منابع مالی نیست و سازوکار خلق پول نیازمند طراحی قاعده سازگار با محیط اقتصادی و عوامل تأثیرگذار بر تهدیدهای اقتصادی در کشور است. اکنون سؤال این است که شرط تحقق نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان چیست؟

شرط تحقق نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان

شرط تحقق نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان اقتدار مقام پولی است که از طریق استقلال مقام پولی حاصل می‌شود. دلایل استقلال مقام پولی بر اساس دیدگاه‌های جفینگر^۱ و دهان^۲ (۱۹۹۶)، متأثر از سه معضل در اقتصاد است. این سه معضل شامل چرخه سیاسی پول،^۳ سلطه مالی^۴ و ناسازگاری زمانی^۵ است. بر اساس چرخه سیاسی پول، فرایندهای انتخاباتی باعث می‌شوند که انتخاب مقام پولی سازگار با گروه سیاسی حاکم بر جامعه شود. بنابراین، تصمیم‌های مقام پولی بر اساس تمایل و گرایش حزب حاکم در دوره زمانی حکمرانی است که ممکن است لزوماً با اهداف کلان اقتصادی از جمله هدف تورمی سازگار نباشد. در واقع مسئله چرخه سیاسی پول متأثر از دیدگاه‌های اقتصاد سیاسی اقتصاد کلان از جمله مطالعات بنیادین نورد هاوس^۶ (۱۹۷۵) و هیبز^۷

1 . Eijffinger

2 . Dehaan

3 . Political Monetary Cycle

4 . Fiscal Dominance

۵ . شرایطی است که در آن تصمیم مقام پولی در زمان t ، برای اجرا برای زمان $t+1$ ، با تصمیم اتخاذشده در زمان $t+1$ ، برای اجرا در زمان $t+1$ ، متمایز شود. برای توضیحات بیشتر به مقاله بنیانی کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷)، برندگان نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۴ و همچنین برای تحلیل آثار آن در اقتصاد ایران به مطالعه باستانی فر (۱۳۹۳) مراجعه کنید.

6 . Nordhaus

7 . Hibbs



(۱۹۷۷) است. در این مطالعات اثبات می‌شود دولت‌ها، اهداف خیرخواهانه برای کاهش تورم و بیکاری ندارند، بلکه هدف آنها جلب آرای حداکثری است. بنابراین، مقام پولی منتصب دولت منتخب از چنین فرایند سیاسی، عامل بروز دوره‌های رکود در اقتصاد است؛ زیرا تصمیم‌گیری‌های مقام پولی بر اساس حل نیازهای واقعی اقتصاد شکل نمی‌گیرد و متأثر از منافع و دیدگاه‌های احزاب خواهد بود.

بر اساس نظریه سلطه مالی، اگر مقام پولی متأثر از مقام مالی (دولت) باشد، در این حالت امکان کنترل تورم وجود نخواهد داشت. مسئله سلطه مالی توسط سارجنت^۱ (برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۱) و والاس^۲ (۱۹۸۱) مطرح شده است. بر اساس این نظریه اگر وابستگی مالی دولت به مقام پولی باشد، فرایند خلق پول و اعتبار و سیاست‌های پولی به صورت درون‌زا و متأثر از نوسانات بودجه دولت تعیین می‌شود؛ در صورتی که سیاست‌های پولی خود باید برای پیش‌برنده بودن و اثرگذاری بر بخش واقعی، برون‌زا باشند.

بر اساس نظریه ناسازگاری زمانی، بنگاه‌های اقتصادی برای تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری‌ها، به اطلاعات شفاف و کامل از آینده اقتصاد نیاز دارند. در صورت اعمال سیاست‌های صلاح‌دیدی و کوتاه‌مدت، مقام پولی نمی‌تواند اطلاعات لازم را از آینده اقتصاد ترسیم کند؛ بنابراین، بنگاه‌ها همواره با ریسک و نااطمینانی فزاینده از سیاست‌های آتی اقتصادی روبه‌رو هستند. این مسئله باعث می‌شود که سیاست مقام پولی نتواند بر رفتارهای بنگاه‌های اقتصادی تأثیرگذار باشد و موجب شکست اهداف کلان اقتصادی از جمله هدف تورمی می‌شود. بنابراین لازم است مقام پولی برای سیاست‌گذاری از قاعده‌مندی برخوردار باشد که ضرورت اجرای قاعده، استقلال مقام پولی از دولت است. از آنجا که مقام پولی در اقتصاد ایران به دلیل فرایندهای سیاسی و انتخاب دولت از یک سو، مسئله سلطه مالی و ناسازگاری زمانی از سوی دیگر اقتدار لازم را ندارد، لازم است برای تحقق نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان، به مسئله استقلال آن توجه شود. مسلماً مسئله استقلال مقام پولی باید سازگار با شرایط ارزشی و نظام سیاسی اقتصادی حاکم بر کشور تبیین شود که در بخش چهارم توضیحات و تحلیل‌های بیشتری ارائه می‌شود.



سازوکار اثرگذاری نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان بر تعادل کلان اقتصادی

با توجه به موارد مطرح‌شده، نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان، نظامی قاعده‌مند با مقام پولی مقتدر و مستقل است که خلق پول و مداخله‌های ارزی برای پیوند بخش واقعی اقتصاد با بخش اسمی شکل می‌گیرد. در این نظام، تهدیدهای اقتصادی بر مصرف و سرمایه‌گذاری و بخش پولی و ارزی بی‌اثر می‌شود؛ زیرا در بخش مصرف و سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین عامل، اثر روانی ناشی از بدتر شدن وضعیت اقتصادی به سبب تهدیدهای اقتصادی یا همان پدیده انتظارات تعارضی است. از آنجا که قاعده سیاست پولی بر اساس چنین انتظاراتی تدوین می‌شود، امکان اعمال سیاست پولی و ارزی لازم برای مواجهه با کاهش انتظارات تعارضی را با تغییر در متغیرهای کنترل چون نرخ سود و حجم پول و ارز فراهم می‌کند. همچنین از آنجا که در این نظام، مکانیزیم خلق پول قاعده‌مند است، شکاف بخش پولی (اسمی) و واقعی در اقتصاد حداقل و هزینه فرصت سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و از آنجا که این نظام با توسعه و رشد واقعی بخش واقعی، بسترساز تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است، باعث کاهش وابستگی به درآمدهای ناشی از مواد خام و نفت می‌شود و بدین ترتیب، هزینه تولید در اقتصاد کاهش و قدرت رقابتی در اقتصاد افزایش می‌یابد. اما چگونه سیاست پولی می‌تواند نااطمینانی و بی‌ثباتی‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی را به ریسک و اطمینان تبدیل کند؟

در ادبیات سیاست‌گذاری پولی دو روش برای تدوین سیاست پولی وجود دارد. این تفکیک به صورت خاص در مقاله «قاعده برتر از صلاحدید (ناسازگاری یک سیاست بهینه)^۱» و برندگان جایزه نوبل ۲۰۰۴ اقتصاد (کیدلند و پرسکات) آمده است: یکی، سیاست‌های صلاحدید و دیگری سیاست‌های قاعده‌مند. سیاست صلاحدید سیاستی است که در همان دوره‌ای که وضع می‌شود، به اجرا درآید. در این سیاست‌ها، آینده‌نگری از وقایع آتی وجود ندارد و نمی‌تواند انتظارات جامعه، به خصوص انتظار جامعه از بازدهی انتظاری سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و انتظارات تورمی را هدایت و کنترل کند. فرض کنید در زمان t ، اقتصاد کشور تحریم و این مسئله باعث شود انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش و رشد نقدینگی افزایش یابد. حال مقام پولی بر اساس روش صلاحدید که به آینده‌نگری و انتظارات آتی بنگاه‌های

1 . Rule Rather than Discretion (The Inconsistency of an Optimal Plan)

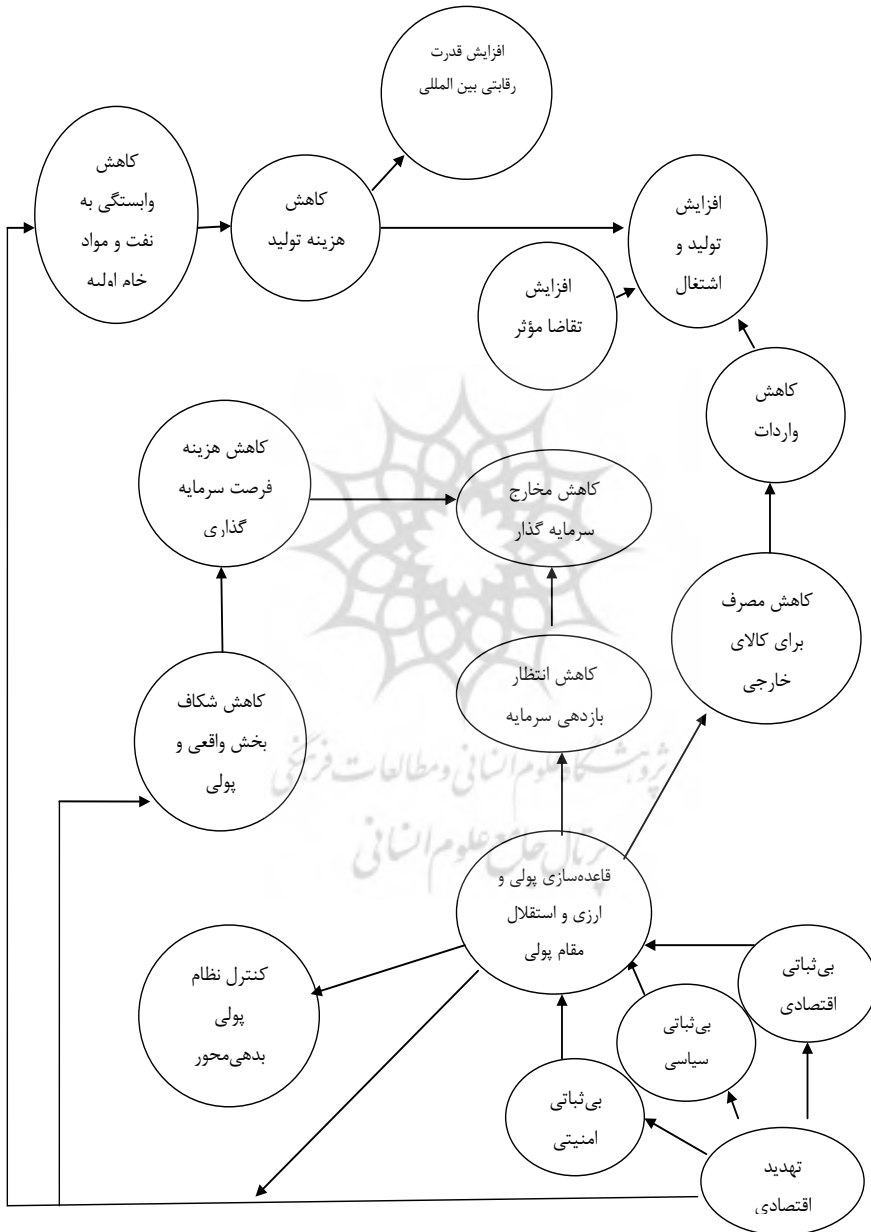
اقتصادی توجه ندارد، تصمیم بگیرد با دادن وام ارزان قیمت به بنگاه‌های اقتصادی باعث افزایش رونق اقتصادی شود. به دلیل نااطمینانی از آینده، اعتبار ارزان بانکی هم نمی‌تواند باعث افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و اشتغال شود. علاوه بر این به دلیل بروز پدیده مخاطرات اخلاقی و انتخاب ناصواب در نظام بانکی، بدهی‌های معوق بانکی افزایش می‌یابد. در این روش تغییر در نرخ رشد حجم پول بدون توجه به آینده‌نگری ناشی از اتفاقات آتی اقتصاد بوده است. بنابراین، این روش از سیاست‌گذاری پولی قادر نیست در شرایط تهدید و تحریم اقتصادی که نااطمینانی از سرمایه‌گذاری اقتصادی افزایش یافته است، مؤثر واقع شود. به عبارتی، یکی از کارکردهای مهم سیاست پولی در شرایط بی‌ثباتی آن است که نااطمینانی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی را به ریسک و اطمینان تبدیل کند و این مهم از طریق روش قاعده‌گذاری در سیاست پولی اعمال می‌شود.

قاعده سیاست پولی، روشی است که بر اساس اطلاعات موجود و آینده، تصمیم‌هایی در زمان $t+1$ برای اجرا در زمان t اتخاذ می‌شود. حال اگر در زمان t اقتصاد کشور تحریم شود، بر اساس روش قاعده‌گذاری که به آینده‌نگری و انتظارات آتی بنگاه‌های اقتصادی توجه دارد، در زمان $t-1$ اقدامات لازم برای تغییر در متغیرهای اصلی پولی دیده شده است. در این روش، سیاست‌گذار پولی، اقدامات خود را برای اجرا در زمان‌های آتی با توجه به وقایع آتی اقتصاد به صورت شفاف اعلام می‌کند. برای مثال در زمان $t-1$ اعلام می‌کند در صورت تحریم و منع رابطه تجاری در زمان T ، با کشور A ، روابط تجاری را با کشور B برقرار می‌کند و در این خصوص نرخ حجم پول و نرخ ارز را بر اساس این اطلاعات برآورد و اعلام می‌کند. بنابراین، قاعده‌مندی در سیاست‌گذاری پولی می‌تواند به نوعی برنامه‌ریزی هوشمندی و مقابله هوشمندانه با تحریم‌ها تبدیل شود؛ زیرا انسجام و تقابل نهادهای برنامه‌ریز با بخش‌های مختلف امنیتی و دفاعی نظام را برقرار می‌کند و موجب کاهش آثار تحریم و خنثی‌سازی آن می‌شود. این روش سیاست‌گذاری ظرفیت‌های قابل قبولی برای مقابله با تهدید و تحریم‌های اقتصادی در برابر روش صلاح‌دیدی دارد.^۱

بنابراین، سرمایه‌گذار بنگاه‌های اقتصادی و مردم، با اطلاع از این موضوع که سیاست‌گذار با تدبیر و هوشمندی از آینده، اقدام به اعمال سیاست‌های پولی و ارزی

۱. مسلماً طراحی قاعده سیاست‌گذاری سازگار با شرایط تهدید و تحریم‌های اقتصادی، نیازمند شناخت انواع تحریم‌ها و روش‌های مقابله با آن است که نیازمند مطالعات آتی است.

می‌کند و به آنها متعهد است و با وجود آنکه می‌داند تحریم وجود دارد، دیگر آینده را نامطمئن و مبهم نمی‌داند. بر این اساس، سیاست‌های پولی و ارزی باعث اثرگذاری بر متغیرهای واقعی مانند سرمایه‌گذاری و بیکاری می‌شود.



نمودار ۳- اثر نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان در خنثی‌سازی اثر تهدیدهای اقتصادی

با توجه به موارد مطرح شده، این سؤال مطرح می‌شود که برای تحقق نظام پولی و ارزی مذکور چه سیاست‌ها و اقداماتی باید شکل گیرد؟

سیاست‌ها و اقدامات پولی و ارزی سازگار با تهدیدهای اقتصادی

برای جلوگیری از آثار تهدیدهای اقتصادی باید ساختار و نهاد نظام پولی و ارزی از استحکام و مقاومت لازم برخوردار باشد. در این خصوص توجه به دو عرصه ضروری است: عرصه اول ساختار نهادی مقام پولی از منظر استقلال و اقتدار و عرصه دوم، مسئله قاعده‌گذاری پولی و ارزی.

۱. ساختار نهاد مقام پولی

همان‌طور که در بخش شرط تحقق نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان بیان شد، اقتصاد کشور به دلیل فرایندهای سیاسی و انتخاب دولت از یک سو و مسئله سلطه مالی و ناسازگاری زمانی از سوی دیگر اقتدار لازم را ندارد؛ یعنی تضمینی برای اجرای دقیق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان سیاست‌هایی که می‌تواند اقتصاد کشور را در برابر تهدید و تحریم‌ها مقاوم کند، وجود ندارد. در شرایط تهدیدهای اقتصادی، اثر عوامل مذکور بر اقتصاد بیشتر می‌شود؛ بنابراین، از آنجا که نقش مقام پولی در شرایط تهدیدهای اقتصادی فراتر از مسائل اقتصادی است و مسائل امنیتی و دفاعی را نیز دربرخواهد داشت، باید در مقابله با تهدیدهای اقتصادی مقاوم و مقتدر باشد که این مسئله ضرورت استقلال مقام پولی را تأیید می‌کند.

از میان شاخص‌های استقلال بانک مرکزی می‌توان به دو شاخص اصلی GMT¹ و CWN² اشاره کرد. شاخص GMT استقلال بانک مرکزی را به دو جزء استقلال سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌کند. استقلال سیاسی توسط عواملی از قبیل نحوه انتصاب رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک مرکزی، دوره تصدی منصوبان و میزان مسئولیت بانک مرکزی برای دستیابی به هدف ثابت قیمت تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، استقلال سیاسی نشان‌دهنده آن است که تا چه حد به بانک مرکزی اجازه داده می‌شود بر هدف اصلی‌اش بدون مداخله مقامات سیاسی پافشاری کند. استقلال اقتصادی به میزان توانایی بانک مرکزی در تعیین و استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری پولی (شامل عواملی

1 . Grilli-Masciandaro -Tabellini

2 . Cukierman-Webb -Neyapti



مانند کنترل میزان اعتبارات بانک مرکزی به دولت، نرخ بهره وام‌ها و نرخ تنزیل) بدون دخالت دولت وابسته است. این بُعد از استقلال، گاهی استقلال ابزاری نیز نامیده می‌شود. شاخص CWN، استقلال بانک مرکزی را بر اساس دو مؤلفه قانونی یا واقعی اندازه‌گیری می‌کند. استقلال بانک مرکزی از منظر قانونی، به آزادی، انعطاف‌پذیری و اختیار عملی اطلاق می‌شود که قانون برای بانک مرکزی قائل شده است. این شاخص، خود به چهار جزء اصلی تقسیم می‌شود: عزل و نصب و دوره تصدی رئیس بانک مرکزی، تدوین سیاست‌های پولی، اهداف و محدودیت‌های اعطای وام به دولت تقسیم می‌شود؛ اما شاخص واقعی به جای مؤلفه قانونی مبتنی بر عملکرد بانک مرکزی است (همتی، ۱۳۹۲: ۱-۳). نکته مهم آن است که شاخص CWN که دربردارنده عملکردهای بانک مرکزی است، خود متأثر از اجزای اصلی شاخص GMT، یعنی استقلال سیاسی و اقتصادی است. به طور کلی استقلال سیاسی مقام پولی باعث می‌شود که امکان اجرایی و عملیاتی شدن سیاست‌های اقتصادی مد نظر نظام جمهوری اسلامی ایران و همراهی مقام پولی برای تحقق سیاست‌های مذکور، به خصوص در شرایط کنونی (سیاست‌های اقتصاد مقاومتی) تقویت شود. این مسئله از طریق توجه به ظرفیت‌های قانون اساسی برای تحقق استقلال مقام پولی قابل تأمل می‌شود.

بر اساس بند الف از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین- سلام الله علیهم اجمعین- برای اداره نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است. در اصل پنجم، در زمان غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه- در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر گذاشته شده است. بر اساس بند ششم اصل یکصد و دهم قانون اساسی، رهبر می‌تواند بخشی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند که این مسئله گویای ظرفیت قانونی اختیارات ولی فقیه در عزل، نصب و پذیرش استعفای برخی مسئولان دستگاه‌های اجرایی در نظام است. همچنین بر اساس این بند از قانون اساسی، اختیارات برخی مسئولان کشوری از جمله فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای نظامی و انتظامی، رئیس سازمان صدا و سیما و غیره نیز به دلیل اهمیت و نقش آنها در عرصه امنیتی و فرهنگی بر عهده ولی فقیه نهاده شده است. با توجه به نقش نظام پولی و ارزی به خصوص در سال‌های اخیر در اقتصاد کشور در شرایط تهدیدهای اقتصادی از یک سو و با توجه به جایگاه ولی فقیه در قانون اساسی



جمهوری اسلامی ایران باید مقام پولی تقویت شود؛ ولی این تقویت باید در ابتدا در مسئله تصدی و عزل و نصب آن صورت گیرد و سپس مقام پولی بر اساس مسیرهای لازم برای مبادله با تهدید اقتصادی اقدام به سیاست‌گذاری دیگر مانند ورود به بازارهای پولی و مالی در جهان، پیمان ارزی و قاعده مرتبط ارزی و پولی در اجرای آنها کند. در واقع استقلال مقام پولی در نظام جمهوری اسلامی ایران برای دفاع اقتصادی مستحکم‌تر نیازمند تقویت نقش ولی فقیه به عنوان فردی بی‌طرف از منظر جناح سیاسی، مدیر و مدبر و شجاع در عرصه سیاست‌گذاری نظام است. این مسئله وجه تمایز استقلال مقام پولی در نظام جمهوری اسلامی ایران با استقلال مقام پولی در ادبیات متعارف است. مسلماً چگونگی تقویت اثر نهاد ولی فقیه در تبلور شاخص‌های اقتصادی و سیاسی استقلال مقام پولی نیازمند مطالعات دیگر است.^۱

۲. قاعده‌گذاری پولی و ارزی

قاعده سیاست پولی به دو شیوه می‌تواند مانع بروز نوسانات اقتصادی شود. حالت اول آن است که قاعده، نقش یک عامل پیشگیرانه و بازدارنده را در شرایط بروز و افزایش انتظارات تورمی بنگاه‌ها از وضعیت آتی ایفا کند. افزایش انتظارات تورمی، هزینه دستیابی به سیاست‌های اقتصادی (مثلاً کاهش بیکاری) را در چارچوب الگوی فیلپس تعمیم‌یافته افزایش می‌دهد. بنابراین، کارکرد اصلی قاعده سیاست پولی، کنترل انتظارات تورمی جامعه خواهد بود. این رویکرد به تدوین قاعده برای مقابله با انتظارات تعارضی در شرایط تهدیدهای اقتصادی مناسب است؛ اما رویکرد دوم، مرتبط با کینزین‌های جدید است. در این رویکرد، قاعده، تنها عامل بازدارنده نیست، بلکه عامل پیش‌برنده است. در این رویکرد، به هر دو وجه بازدارندگی قاعده از تورم انتظاری و پیش‌برنده بودن قاعده در جهت اعمال اهداف اقتصادی از طریق مقام پولی تأکید می‌شود. با توجه به شرایط اقتصاد ایران، قاعده سیاست پولی باید بتواند هم از بروز انتظارات تعارضی در شرایط تحریم جلوگیری کند و هم نقش پیش‌برندگی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را داشته باشد. هرچند تلاش‌هایی برای قاعده‌گذاری در سیاست پولی به صورت ناقص در قالب بسته‌های سیاستی و نظارتی بانک مرکزی از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ صورت گرفت، ولی این بسته‌ها هم از منظر مبانی و معیارهای

۱. در خصوص چگونگی اثر نهاد ولی فقیه در سیاست‌گذاری پولی برای حذف سیاست فریبکاری (Cheating policy) و دستیابی به رفاه و تعادل در اقتصاد کلان به مطالعه تحلیل انتقادی اعتباری سیاست فریبکاری در اقتصاد پولی با فروض ایده‌آل اسلامی، تألیف باستانی فر و حیدری (۱۳۹۴) مراجعه کنید.

یک قاعده سیاست پولی و هم محتوا ضعف داشته‌اند. قاعده سیاست پولی سازگار با اقتصاد ایران، قاعده‌ای است که نوسانات ناشی از تهدیدهای اقتصادی، قیمت نفت، رشد اقتصادی و تورم هدف‌گذاری شده و موجود را با توجه به رویکرد رشد درون‌زا، توسط متغیرهای ابزاری مانند حجم پول و میزان سود به صورت شفاف تحلیل، رصد و ارائه کند. میان قواعد سیاست پولی متعارف، تدوین قاعده سیاست پولی تیلور تعدیل شده بر اساس شرایط اقتصاد ایران، بانکداری اسلامی و مبتنی بر ابزار حجم پول قابل ارائه خواهد بود.^۱

از سوی دیگر به دلیل آنکه اقتصاد ایران متأثر از تکانه‌های با منشأ خارجی مانند تحریم‌ها و نوسانات درآمد نفتی است، قاعده سیاست پولی باید بتواند در برابر تکانه‌های خارجی منعطف باشد. در این خصوص، بانک مرکزی همچنان فاقد قاعده‌گذاری نرخ ارز است. تدوین قاعده‌ای که بتواند با توجه به شرایط اقتصاد و اهداف کلان اقتصادی کشور، نوسانات ارزی را کنترل و از ارزش پول ملی محافظت کند، ضروری است. در این راستا، نرخ ارز شناور مدیریت شده می‌تواند مصداقی از قاعده ارزی انعطاف‌پذیر باشد. در نظام ارز شناور، بانک مرکزی در راستای یک هدف بلندمدت یا میان‌مدت، رفتارهایی را که موجب بروز تغییر در عرضه و تقاضای ارز در کشور می‌شود، مدیریت می‌کند. در بند ج ماده ۸۱ برنامه پنجم نظام ارزی کشور، مدیریت شناور معرفی شده است، ولی تاکنون این نظام ارزی در کشور به صورت دقیق و قاعده‌مند اجرا نشده است. بنابراین، با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و شرایط اقتصاد کشور و برای مقابله با تهدید اقتصادی، نظام ارز شناور مدیریت شده قاعده‌مند، برای اقتصاد ایران لازم است. این نظام ارزی لزوماً نظام ارز شناور شده نیست و مقام پولی حق مداخله‌های کوتاه‌مدت را ندارد و تنها بر اساس اهداف بلندمدت اقتصادی اجازه مداخله خواهد داشت. همچنین نرخ ارز مورد مبادله در چنین نظامی ترکیبی از نرخ‌های ارز چندگانه خواهد بود؛ به گونه‌ای که حداقل آثار و آسیب‌پذیری از نوسانات دلار و یورو داشته باشد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

یکی از دلایل مقبولیت تهدیدهای اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری به خصوص آمریکا، وجود نظام پولی بدهی‌محور انتفاعی (خصوصی) و منطبق نبودن بخش پولی با بخش واقعی است. تقلید کورکورانه از چنین نظامی باعث تضعیف قدرت اقتصاد کشور می‌شود و مغایر اهداف پدافند غیرعامل است. بر این اساس، اقتصاد ایران نیازمند نظام پولی و ارزی مقاوم‌بنیان است تا بتواند در تحقق دغدغه‌های پدافند غیرعامل در

۱. مسلماً طراحی قاعده مذکور و راهکار عملیاتی آن نیازمند مطالعات دیگر است.



عرصه پولی و ارزی کشور حرکت کند. نظام پولی و ارزی مقام‌بنیان، نظامی قاعده‌مند با مقام پولی مقتدر و مستقل است که خلق پول و مداخله‌های ارزی در پیوند بخش واقعی اقتصاد با بخش اسمی شکل می‌گیرد. در چنین نظامی، اقتدار و استقلال مقام پولی باید متأثر از تقویت نهاد ولی فقیه در استقلال اقتصادی و سیاسی مقام پولی باشد. نظام تصمیم‌گیری مقام پولی باید به سمت قاعده‌مندی حرکت کند که در این خصوص طراحی قاعده سیاست پولی و ارزی سازگار با اهداف پدافند غیرعامل و تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای اقتصاد ایران پیشنهاد می‌شود. همچنین در عرصه نظام ارزی سازگار با شرایط تهدیدهای اقتصادی و پدافند غیرعامل، نظام ارزی شناور مدیریت‌شده قاعده‌مند پیشنهاد می‌شود.

منابع فارسی

- اصغرپور، حسین، سلمانی دهقانی، فشاریو (۱۳۹۰)، «تأثیر فساد اداری بر نرخ پس‌انداز ناخالص ملی کشورهای منطقه MENA (رهیافت داده‌های تابلویی پویا)»، تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۳.
- باستانی‌فر، ایمان (۱۳۹۱)، تحلیل قواعد سیاست پولی در علم اقتصاد و ارائه معیارهای قاعده پیشنهادی ایده‌آل سیاست پولی، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
- باستانی‌فر، ایمان (۱۳۹۳)، «آزمون ناسازگاری زمانی در اقتصاد ایران»، تحقیقات اقتصادی، ۴۹(۴).
- باستانی‌فر، ایمان و رخساره میرزایی (۱۳۹۳)، «تحلیل ریشه‌های رکود تورمی در اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای برون‌رفت»، پژوهش‌های پولی و بانکی، ۲۱.
- باستانی‌فر، ایمان و محمدرضا حیدری (۱۳۹۴)، «تحلیل انتقادی اعتبار سیاست فریبکاری در اقتصاد پولی با فروض ایده‌آل اسلامی»، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲(۱۴).
- باستانی‌فر، ایمان، محمدرضا حیدری و محمد واعظ برزانی (۱۳۹۴)، «طراحی و برآورد تابع زیان مقام پولی مبتنی بر اهداف بانکداری اسلامی»، جستارهای اقتصادی ایران، ۱۲(۲۴).
- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲.
- صامتی، مرتضی، روح‌الله شهنازی و زهرا دهقانی شبانی (۱۳۸۵)، «بررسی اثر آزادسازی اقتصادی بر فساد مالی»، پژوهش‌های اقتصاد ایران، ۸(۲۸).
- صیادزاده، علی و زهرا علمی (۱۳۹۲)، «رابطه فساد و سرمایه اجتماعی در الگوهای رشد»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۰).

- طغیانی، مهدی، سید عقیل حسینی، مرتضی درخشان و محمدرضا حیدری (۱۳۹۳)، «مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم، مبانی نظری و تاریخچه تحریم در جهان و ایران»، سازمان پدافند غیر عامل کشور.

- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

- قرارگاه پدافند اقتصادی کشور، سرپاک (سند راهبردی پدافند اقتصادی کشور (۱۳۹۴))، چاپ اول.

- لطیفیان، سعیده (۱۳۸۵)، «پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی - سیاسی در کشورهای در حال توسعه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۷۱.

- مصطفی پور، منوچهر و عمادالدین سخایی (۱۳۹۰)، «نگاهی به سیاست‌های ارزی کشور و چارچوب مناسب تعیین نرخ ارز»، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی ۴۳.

- الوانی، مهدی و سعید عرب سرخی (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های استراتژی ملی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت دولتی، ۲(۴).

- ورتابیان، هادی (۱۳۹۲)، «تحلیل منشأ نوسانات نرخ ارز طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۱»، سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۱(۴).

- همتی، مریم (۱۳۹۲)، «استقلال بانک مرکزی؛ گام نخست در پیشبرد اهداف سیاست‌گذاری پولی»، پژوهشکده پولی و بانکی.

منابع لاتین

- Beck, P. and Maher, M.W. (1986), "A Comparison of Bribery and Bidding in Thin Markets", *Economic Letters*, 20(1).

- Clerides M. & Stephanou C. 2009(), "The Financial Crisis and the Banking System in Cyprus", *Cyprus Economic Policy Review*, 3 (1).

- Derzner, Daniel, W. (1999), "The Sanctions Paradox", *Economic Statecraft and International Relations*, Cambridge University Press.

- Eijffinger, S.C.W. & Dehaan, J. (1996), "The Political Economy of Central Bank Independence", *Special Papers in International Economics*,

9,1-92, Department of Economics, Princeton University.

- Fridman, M. (1968) *The Optimum Quantity of Money and Other Essays*, Adlin Publishing Company, Hawthorne, New York

- Goopta, S. & Davoodi, H & Alonsoterm-R. (1998), "Does Corruption Affect Income Inequity and Poverty", *IMF*, Working Paper.

- Habib, M. & Zurawicki, L. (2001), "Corruption and Foreign Direct Investment", *Journal of International Business Studies*, 33(2).

- Hibbs, D.A. (1977), "Political Parties and Macroeconomic Policy", *The American Political Science Review*, 71(4).

- Kydland, F.E. and Prescott, C.E. (1977), "Rules Rather Than Discretion", *The Inconsistency of Optimal Plans, Political Economy*, 85(3).

- Nordhaus, W.D. (1975), "The Political Business Cycle", *The Review of Economic Studies*, 42(2).

Sargent, T., & Wallace, N. (1981), "Some Unpleasant Monetary Arithmetic", *Quarterly Review*, 22.

- Taylor, J., B. (1993), *Discretion Versus Policy Rules in Practice*, Carnegie-Conference Series on Public Policy, North Holland.

- The Institute of Economics & Peace (2012), "Economic Consequences of War on U.S Economy", www.economicsandpeace.org.

(Footnotes)

۱. با تقسیم این ارقام بر شاخص قیمت‌ها (به سال پایه ۸۳)، متوسط کسری بودجه واقعی سالانه به ترتیب در برنامه اول ۶۴، برنامه دوم ۹۴، برنامه سوم ۳۰۰ و برنامه چهارم ۸۷۳ میلیارد ریال می‌شود که گویای رشد فزاینده کسری بودجه واقعی در برنامه‌های سوم و چهارم نسبت به برنامه‌های قبلی است (بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳).

۲. در برنامه اول توسعه بیان شده است که تورم ۲۸/۵ درصدی در سال ۱۳۶۷ به تورم ۸/۹ درصدی به سال ۱۳۷۲ کاهش یابد که به این معنی است که در طول برنامه اول توسعه، تورم باید سالانه ۳/۹۲ درصد کاهش یابد؛ بنابراین، متوسط تورم هدف‌گذاری شده (ابتدا و انتهای دوره)، ۱۸/۷ درصد می‌شود.

۳. متوسط میزان ۲۵ درصد در آغاز برنامه و ۱۲/۵ درصد در انتهای برنامه بیان شده است.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی